

فتنه

میرتاج الدینی - هادی زاده

از دیدگاه آیات، روایات و بیانات مقام معظم رهبری

چکیده

این نوشتار درصدد است با استفاده از آیات کریمه، احادیث معصومین b، منابع تاریخی و بیانات راهگشای مقام معظم رهبری به بازخوانی فتنه‌شناسی بپردازد تا ابعاد فتنه در جامعه اسلامی روشن‌تر گردد.

فتنه در بررسی‌های لغوی به معنای ناهماهنگی توأم با اضطراب و تشویش است؛ اما در اصطلاح سیاسی آن، حالت غبارآلودگی همراه با ابهام است که در آن فضا، شناخت حق از باطل و دوست از دشمن، سخت است که این امر در طول تاریخ زندگی بشر، یکی از شیوه‌های نادرست برای پیش برد اهداف باطل بوده است.

کلیدواژه

فتنه، بدعت، روشنگری، امتحان، بصیرت

مقدمه:

حوزه‌های فتنه و آزمایش در قرآن کریم بیشتر در امور مادی و علقه‌های دنیوی ذکر شده است؛ اما کلام الهی در آیات متعددی، فتنه انگیزیهای اجتماعی را یادآور شده است. دوران زندگی حضرات معصومین (علیهم السلام) نیز خالی از این فتنه انگیزیها نبود. ائمه هداة (علیهم السلام) به مقابله با انواع فتنهها برخاستند و در راه شناساندن حق از باطل، شهادت را به جان خریدند. در کلام معصومین (علیهم السلام)، فتنه به معنای مختلف آن به کار رفته است که یکی از محسوس‌ترین معانی آن، امتحانات گروهی و فتنه‌های اجتماعی میباشد. با دقت در عنوان فتنه در بیان حضرات معصومین (علیهم السلام)، تفاوتی آشکار بین کلام حضرت علی (ع) و سایر ائمه خواهیم یافت که این ناشی از شدت غبار موجود در فضای خاص دوران آن حضرت میباشد. فتنه صفین، فتنه جمل و فتنه خوارج از این قبیل میباشد.

مفهوم شناسی فتنه¹

مفهوم لغوی

معانی مختلفی برای کلمه فتنه میتوان یافت که از آن جمله میتوان به معانی: آزمودن- گمراه کردن- اختلاف کردن مردم در رای و تدبیر اشاره کرد. (معین، 1362)؛ اما فتنه در اصل کلمه‌ای است عربی که از جهت ساختار، مصدر باب فتنَ یَفْتِنُ میباشد که معانی نظیر: الإبتلاء، الإمتحان، المحنة، مایمَتحَن به برای آن ذکر شده است. (ابن منظور، 1418: 178) آن چیزی مَصْداق فتنه قرار میگیرد که موجب ناهماهنگی همراه با اضطراب و تشویش باشد. 2 (مصطفوی، 1430: 9/23) در نهایت با در نظر گرفتن تعابیر فوق میتوان «فتنه را به امتحان تعبیر کرد» 3 (العسکری، (بی‌تا) 244) :

مفهوم اصطلاحی:

در اصطلاح علوم سیاسی میتوان فتنه را اینگونه تعریف کرد:

«فتنه حالت غبارآلودگی است، یعنی افراد همدیگر را نمی‌شناسند، فتنه که فرو نشست آن وقت آدم صفوف را میبیند که چه کسی به زمین افتاده و چه کسی خودش را سالم نگه داشته است» 4. (خامنه‌ای، 1389: 109)

بررسی فتنه در آیات قرآن کریم

{الْم * أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ} (عنکبوت 1-3/)

«الف، لام، میم * آیا مردم چنین پنداشتند به صرف اینکه گفتند ما ایمان آوردیم رها شوند و بر این دعوی هیچ امتحانشان نکنند * و ما امتحانی را که پیش از اینان بودند به امتحان آزمایش آوردیم.»

محسوس‌ترین معنایی را که برای فتنه در قرآن کریم میابیم در آیه شریفه {يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ} (ذاریات 51) است؛ یعنی به عنوان عذاب انسانهایی روی آتش گذاخته میشوند. از این میتوان دریافت که وقتی چیزی را روی آتش، داغ میکنند حرکت اضطرابی در آن پیدا میشود، بنابراین بعدها فتنه را در موارد اضطراب به کار بردند.

محوریت معنای کلمه فتنه در قرآن کریم امتحان است. و در معانی دیگر بالعرض استعمال شده است که به چند نمونه آن اشاره میکنیم:

کفر: {الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ} (بقره 217/)

عذاب الهی: {جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ} (عنکبوت 29/)

ابتلا بر اثر بلا: {وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ} (عنکبوت 3/)

قتل: {إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمْ} (نسا 101/)(روحي و فياض بخش، (408: 1429)

حوزه های آزمایش در قرآن کریم

قرآن کریم، دنیا را جایگاه امتحان و دگرگونیها معرفی میکند:

{الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ} (ملک 67/)

حوزه های آزمایش سه دسته اند:

امور مادی: بخشی از موارد آزمایشی که در قرآن بیان شده مربوط به امور مادی است. مانند {وَلَبَلُّوْكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصِ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الشَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ} (بقره 155/). خوف، نا امنی، گرسنگی، از دست دادن زن و فرزند، از جمله آنها هستند. امور فکری و عقیدتی: وسوسات و القاءات شیاطین درباره امور عقیدتی، وسیله برای آزمایش قرار میگیرد. {لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فَتْنَةً} (حج 53/). همه شبهات و تشکیک هایی که برای تضعیف عقاید دینی القاء میشود و مطالبی که به طور دائم از رسانه های خارجی منتشر میگردند، همه در این بخش قرار میگیرند. اینها فتنه های دینی، فکری و اعتقادی هستند.

فتنه های اجتماعی: برخی فتنه ها به امور اجتماعی مربوط هستند {لَوْ لَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْفَرِثِيِّينَ عَظِيمٍ} (زخرف 43 و 6/31) مشرکان میگویند: اگر خدا میخواست پیغمبر بفرستد، چرا شخص بزرگ ثروتمند و باسواد نفرستاد. فتنه های اجتماعی که موجب گمراهی انسانهای فراوانی شده و گاه نسلهایی را هدف قرار داده اند (مصابح یزدی، (42: 1390)

در قرآن کریم، دستور پرهیز از این نوع فتنه ها آمده است:

{وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ} (انفال 25/). علامه طباطبایی ذیل این آیه مینویسد: «منظور از آیه شریفه، فتنه های است که تمامی افراد امت بایستی درصدد دفع آن برآیند و با امر به معروف و نهی از منکر از شعله ور شدن آتش آن جلوگیری بعمل آورند؛ بنابراین برگشت معنای آیه به تحذیر تمامی مسلمانان از اختلافات خواهد بود. چون این گونه اختلافات باعث چنددستگی و تشتت در میان مسلمین خواهد بود و معلوم میشود هر دسته که غالب شود، زمام امور را در دست خواهد گرفت و یقیناً این غلبه، غلبه فساد است نه غلبه کلمه حق. این فتنه مختص به یک دسته یعنی دسته ستمکاران است، ولیکن اثر سوء آن دامن گیر همه شده و در اثر اختلاف، همه جامعه دچار تلخ کامی میشوند. (طباطبایی، 1387: 9/63)

فتنه در کلام معصومین (علیهم السلام)

با جستجو در گفتار حضرات معصومین (علیهم السلام) با معانی گوناگون لفظ فتنه از جمله: تشویش و اضطراب آشنا میشویم.

پیامبر به حادثه های که بعد از ایشان رخ خواهد داد اشاره کرده و میفرماید:

«پس از من فتنه هایی همچون پاره های شب اتم را فرا میپوشاند، چنان که آدمی بر اثر آنها شب مومن باشد و روز کافر و روز مومن باشد و شب کافر، مردمانی دین خود را به اندک متاعی از دنیا میفروشند.» (کنز العمال، 664: 1382)

حضرت از آینده های خبر میدهد که خواص به خاطر هوای نفس و زیادطلبی در مساله انتخاب زمامداری دچار لغزش شده و مردود میشوند؛ تالی فاسد این رد شدن در امتحان این شد که مردانی امکان حکومت، ریاست و زعامت پیدا کردند که صلاحیت این سمت و منصب را نداشتند.

حضرت علی (ع) می فرماید:

«در این احوال بودیم که منافقان رفتند و فرمانروایی پیغمبر را از ما گرفته و به دیگری سپردند، پس بخدا سوگند برای این کار چشمها و دلهای ما باهم گریست و سینه ها تنگ و خراشیده شد و جانهای ما به لب آمد. (شیخ مفید، (1/347: 1383)

حضرت امام جعفر صادق (ع) درباره حکمت و روند اینگونه فتنه ها چنین میفرماید:

«به خدا آنچه بدان چشم میکشید واقع نشود، مگر آنگاه که غربال شوید. به خدا به آنچه به سوی آن چشم میکشید واقع نشود مگر آنگاه که در بوته آزمایش گذاشته شوید.» (کلینی، (1/170: 1365)

فتنه از منظر حضرت علی (ع)

در این بخش به بررسی موضوع فتنه در کلام حضرت علی (ع) پرداخته میشود:

الف: خطبه 50

«إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ وَ أَحْكَامُ تَبْدَعُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ وَ يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رَجَالٌ رَجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ»

سرچشمه و علت اصلی پیدایش فتنه را میتوان در پیروی از هواپرستیها، هوسها و بدعتها دانست که فرمود: «نَمَّا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ وَ أَحْكَامُ تَبْدَعُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ» 7 آغازگر فتنه ها پیروی از هوی و هوسها و بدعتهایی است که با کتاب خدا مخالفت دارد؛ در واقع در آنجایی که افراد سود جو و سرکش با تحریفها و تفسیرهای غلط به دنبال منافع و اهداف خود هستند، به سراغ آن میروند. چنانچه در روایتی آمده است: «عن ابی عبدالله قال: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (شیخ صدوق، (25: 1/1403)

مؤلف کتاب پیام امیرالمؤمنین (ع)، درباره پیدایش فتنه مینویسد:

«فتنه آن زمان شروع میشود که فزون طلبیها آشکار گردد و قوانین الهی در مسیر مطامع شخصی تحریف شود. حق و عدالت زیر پا بماند و افراد و گروهها وظایف الهی خود را فراموش کنند و به بدعتها روی آوردند.» (مکارم شیرازی، 2: 1379: 562/)

میتوان علت اصلی و مقدم در پیدایش فتنه را بدعت گذاریها خواند، یعنی اول بدعتها صورت میگیرد و سپس فتنه برای پوشاندن آن قرار میگیرد، علامه جعفری میفرماید:

«پس از آنکه بدعت‌هایی در یک جامعه به وسیله هواها و خودپرستی‌ها بروز کرد، نوبت ظهور فتنه‌ها و آشوب‌ها فرا میرسد، زیرا طبیعی است که بدعت‌ها هر اندازه هم ماهرانه و عوام‌فریبانه به اجتماع عرضه شوند بالاخره با متن واقعیات دین که با قرآن محوری و حفظ سنت و فعالیت عقول سالم پاکان جامعه برای خردمندان جامعه تثبیت شده است، ناهماهنگ و ناسازگار گشته، موجب بروز آراء و عقاید و تاویلات و تفسیرات شخص می‌گردد و شعلله‌های فتنه و آشوب زبانه میکشد و گروه‌بندی‌ها شروع میشود. (جعفری، 1366: 10/ 108)

سیاست مداران، ظالمان و فرعونیان عالم این عمل را یکی از اصول همیشگی خود قرار داده اند و برای پیش برد اهداف خود همیشه، حق را با باطل آمیخته‌اند تا حق مشتبه شده و ملتها را در مسیر خودکامگی‌های خود قرار دهند. چنان که در قرآن کریم درباره فرعون آمده است: ﴿فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ (زخرف/54) فرعون با شستشوی مغزی قوم خود در مصر، آنان را سبک و تهی مغز کرد تا توان بدست آوردن جزم علمی و جزم عملی نداشته باشند؛ آنگاه بر آنان مسلط شد. (جوادی آملی، - (1381: 120) این در حالی است که تاریخ همیشه نشان داده که هر چند برای مدتی به اهداف خود رسیده‌اند، ولی ملتها همیشه آگاه گشته و دست آنها را خوانده و تمامی نقشه‌هایشان را خنثی کرده‌اند، همان طور که علی (ع) فرمود: «و للباطل جولة» (تمیمی‌امدی، 1366: 71)؛ از برای باطل جولانی هست. و بعد همان طور که حضرت اشاره کرده‌اند: «فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِرَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخَفْ عَلَى الْمُتَّادِينَ وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ» اگر باطل از آمیختن با حق جدا می‌گردید. بر کسانی که طالب حقتد پوشیده نمی‌ماند، و اگر حق از آمیزه باطل پاک و خالص میشد زبان دشمنان و معاندان از آن قطع می‌گردید. اگر باطل به صورت اصلش نمایان شود بر همگان آشکار است و خریدار ندارد، و از طرفی اگر حق بصورت اصلش نمایان شود برای معاندان و فتنه‌گران جایی برای کار نمی‌ماند. رهبرانقلاب علت این امر را اینگونه بیان میکنند:

«دشمنان ملت از شفاف بودن فضا ناراحتند؛ فضای شفاف را برنمی‌تابند؛ فضای غبارآلود را می‌خواهند...» (مقام معظم رهبری، 1368)

«اگر حق به طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمیتواند زبان علیه حق باز کند، اگر باطل هم خودش را به طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «و لَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضَعْفٌ وَ مِنْ هَذَا ضَعْفٌ فَيَمُزْجَانِ» آن کسانی که مردم را می‌خواهند گمراه بکنند، مزوج میکنند، آن وقت نتیجه این میشود که {فَهَذَاكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَانِهِ} حق برای طرفداران حق هم مشتبه میشوند (خامنه‌ای، 1389: 111)

حضرت امیر (ع) در جایی دیگر می‌فرماید: «أَمَّا سُمِّيَتِ الشَّبْهَةُ شَبْهَةً لِأَنَّهَا تَشْبِهُ الْحَقَّ» (دشتی، 1405: خطبه 38) نام شبهه را از این جهت شبهه گذاشتند که شباهت به حق دارد.

پس در فضای فتنه، عده‌ای با آن همراه میشوند و عده‌ای با آن مخالفت میکنند، از این رو میتوان مخاطبین فتنه را به سه دسته تقسیم کرد: گروه اول: بنا بر فرموده حضرت: «و يَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى.» کسانی که مشمول رحمت خدا بوده‌اند از آن نجات می‌یابند، گروهی که حق طلبند این گروه چون شامل رحمت الهی‌اند و از مومنان و متقین و مخلصیناند، لذا امر بر آنان مشتبه نشده و دارای بصیرت‌اند و مسیر درست را تشخیص میدهند.

گروه دوم: به علت هوپرستی، بی‌اعتقادی و سستی در انجام دادن دستورهای الهی، به دنبال فرصتی هستند تا از باطل دفاع کنند و به سمت آن بروند، با پای خود در دام شیطان قرار می‌گیرند. که حضرت آنان را اینگونه خطاب میکنند: «و يَتَوَكَّلِي عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ.»

گروه سوم: عوام مردم را شامل میشوند، که ساده لوح و بی‌بصیرت‌اند و با قرار گرفتن در فضای فتنه، ناخود آگاه به سمت آن می‌روند، و لگام خود را در اختیار فتنه‌گران قرار میدهند. این گروه غالباً پس از پایان یافتن فتنه و آشکار شدن حق، به سمت حق بازگشته و از عمل کرد خود نادم و پشیمانند «مَنْ نَصَرَ الْبَاطِلَ نَدِمَ» (تمیمی‌امدی، 1366: 71) هر که باطل را یاری کند پشیمان گردد.

ب: خطبه 93

«إِنَّ الْفِتْنَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ نَبَّهَتْ يُنْكَرْنَ مُقْبِلَاتٍ وَ يَعْرِفْنَ مُدْبِرَاتٍ يَحْمَنُ حَوْمَ الرِّيَّاحِ يَصْبِي بَلَدًا وَ يُخْطِئُ بَلَدًا أَلَّا وَ إِنَّ أَخَوْفَ الْفِتَنِ عِنْدِي عَلَيْكُمْ فِتْنَةُ بَنِي أُمَيَّةَ»

دو اصل و قانون کلی در فتنه جریان دارد:

- اصل اول: وقتی فتنه می‌آید خود را به صورت حق نمایان میکند، افکار و عقاید جامعه را تحت تاثیر قرار میدهد و خود را به عنوان حق محض معرفی میکند، تا کسی به آن شک نکند، چرا که باطل را با حق آمیخته است. حضرت امیر (ع) موضوع را اینگونه بیان میکنند: «إِنَّ الْفِتْنَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ؛ فتنه چون روی آورد حق و باطل را مشتبه میکند، «يُنْكَرْنَ مُقْبِلَاتٍ وَ يَعْرِفْنَ مُدْبِرَاتٍ»؛ چون روی آورند ناشناخته‌اند و چون روی برگردانند شناخته میشوند؛ یعنی فضای فتنه چنان غبار آلود و تاریک است و چنان بر مردم تاثیر گذاشته است که تا روی برگردانند حقیقت آن آشکار نمیشود.

- اصل دوم: فتنه همیشه به آرامی پیش میرود و در طول زمان است که مردم را فریب میدهد، و نیاز به مقدمه چینی و برنامه‌ریزی دارد تا بتواند مردم را به سمت خود بکشد.

با توجه به این دو اصل، درک این جمله برای ما بیشتر میشود که حضرت فرمود: «مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ» اگر ما اینجا بخوابیم، جبهه دشمن پشت سنگر خودش معلوم نیست خواب رفته باشد، او بیدار است و علیه ما توطئه خواهد کرد.

«وَ إِذَا أَدْبَرَتْ نَبَّهَتْ»؛ و چون برگردد و تمام شود، متنبه میکند موضوع دیگری که حضرت علی (ع) در این جمله بیان میکند، این است که پس از رویگردانی فتنه مردم متنبه میشوند، یعنی وقتی فتنه‌های می‌آید و فضای جامعه را تیره و تاریک میکند، و مردم را از مسیر اصلی دور میکند، هنگامی که پشت میکند آشکار میشود و مردم به اشتباه خود پی می‌برند و متوجه میشوند که به بیراهه رفته‌اند. امام صادق درباره فتنه می‌فرماید: «تَمْنُوا الْفِتْنَةَ؛ فَيَهْلِكُ الْجَبَّارَةُ وَ طَهَارَةُ الْعَرَضِ مِنَ الْفَسَقَةِ»؛ آرزومند فتنه باشید؛ زیرا فتنه موجب نابودی ستمگران و پاک شدن زمین از فاسقان است. (محمدی ریشه‌ری، 1384؛ 4526) در ادامه فتنه را به گردباد تشبیه میکنند «يَحْمَنُ حَوْمَ الرِّيَّاحِ»؛ فتنه‌ها

مانند گردبادها میچرخند. «چون گردبادها بر اثر وزش دو جبهه قوی باد در دو جهت مخالف، پیدا میشود، یعنی دو جبهه مخالف در هم میپیچند و به گرد هم میگردند و گردباد را به وجود میآورند؛ فتنهها نیز بیشتر از اختلافات بر میخیزد؛ آنگاه که دو جناح بیفکر و بیمطالعه، بیرحمانه به جان هم میافتند، فضای جامعه را تیره و تاریک میسازند.» (مکارم شیرازی، 4: 1379 (236/

فتنه، جبهه حق و باطل را چنان به هم میآمیزد، که گاهی شخصیههای بزرگ اجتماعی، سیاسی، علمی و دینی قوه تشخیص خود را از دست میدهند و آنان را بر زمین میکوبد و به همراه خود میکشاند. که نمونههای آن در تاریخ کم نیست. البته جوامع و ملتها مختلف هستند: {بُصَيْنَ بِلْدًا وَ يُخْطَنُ بِلْدًا}؛ فتنهها به شهری میرسند و به شهری نمیرسند. ممکن است فتنههای جامعههای را درهم کوبد، ولی همان فتنه در جامعههای دیگر هیچ تاثیری نداشته باشد. پس میتوان ملتها را به دو دسته تقسیم کرد:

الف: جامعههای که آگاه و با بصیرت عمل میکنند و در تندبادهای فتنه راسخ و استوار میمانند و از جای خود تکان نمیخورند، در روایت نیز نقل شده است:

«الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ» (شیخ مفید، 356: 1413 کسی که زمانه را می شناسد، یعنی وقتی اوضاع و احوال محیط خود و محیط پیرامونیش و محیط جهان را می داند و می فهمد جریان های گوناگون جهانی کیهانند، کجایند، اهدافشان چیست، چه جور با هم مواجه میشوند، دچار اشتباه نمی شود؛ در قضایای گوناگون، قضاوت اشتباه نمیکند و دچار اشتباه نمیشود. (مقام معظم رهبری، 1390)

ب: «جامعه ای که به راحتی در مقابل تند بادهای عنان اختیار را از دست داده و با آن همراه میشود، اینان مردمانی هستند که روابط آنها با یکدیگر نه براساس رحم و مروت و انصاف و اخلاق خوب که بر مبنای سودجویی تنظیم شده است. یکی، دیگری را تا وقتی قبول و تحمل میکند که با منافع او سازگار باشد. اگر سازگار نبود، حاضر است او را نابود کند و از بین ببرد. این هم يك نوع جامعه است. این جامعه، جامعهی جاهلی میشود. (مقام معظم رهبری، 1373)

ج: خطبه 151

- «ثُمَّ إِنَّكُمْ مَعَشَرَ الْعَرَبِ أَغْرَضُ بِلَايَا قَدْ اقْتَرَبَتْ فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النَّعْمَةِ وَ احْذَرُوا بَوَائِقَ النَّقْمَةِ وَ تَتَّبِعُوا فِي قَتَامِ الْعُشْوَةِ 10»
از جمله عواملی که باعث میشود یک جامعه در دام فتنه قرار بگیرد، غرق شدن در نعمات الهی و عیش و نوش بی اندازه است. وقتی انسان از مسیر واقعی که ذکر و بندگی خداوند است خارج شود، بدیهی است که از واقعیت دنیای اطراف خود غافل شده و دچار فتنهها میشود. حضرت امیرالمومنین (ع) میفرمایند: «فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النَّعْمَةِ»؛ از مستی در نعمتها بپرهیزید. در صحیفه سجاده هم میبینیم که حضرت فرمودهاند «المال الفتون 11» که شرح آن را از زبان مقام معظم رهبری بیان میکنیم:

«بینید امام سجاد (ع) در آن دعای مرزداران صحیفه سجاده، که به مرزداران و سربازان و مجاهدان جبهه دعا میکند، از جمله دعاهايش این است که پروردگارا! یاد مال فتون را از دل اینها ببر. این تعبیر «فتون»؛ فتنهانگیز، فقط در مورد مال در این دعا بهکار رفته؛ المال الفتون. مال، فتنهانگیز است.» (مقام معظم رهبری، 1387)

حضرت امیر (ع) در ادامه میفرمایند: «وَ احْذَرُوا بَوَائِقَ النَّقْمَةِ»؛ از بلاهایی که کفر اعمال شماست بر حذر باشید. حضرت در این کلام بیان میکنند، که یکی از بلاهایی که خداوند برای یک امت نازل میکند، فتنه است. در کتب مختلف بلاهایی را که بر یک امت فرستاده میشود، معمولاً زلزله، سيل، طوفان و مشابه این موارد ذکر میکنند. در حالی که حضرت فتنه را که هم بر عقاید و اصول زندگی افراد و هم بر مادیات و ظواهر زندگی اثر میگذارد را از بلاهای الهی می شمارند، یعنی فتنه همانند بلاهای جانی هلاک کننده است. از جمله مواردی که در فضای غبار آلود فتنه، برای کسانی که قادر به تشخیص حق از باطل نیستند تجویز میشود، این است که تحرکی نکنند و در جای خود ثابت بمانند، چرا که دارای چراغ بصیرت نیستند و توانایی شناخت راه را ندارند، پس احتمال اینکه با اهل باطل همراهی کنند زیاد است. حضرت به این افراد اینگونه توصیه میفرمایند: «وَ تَتَّبِعُوا فِي قَتَامِ الْعُشْوَةِ»

و در ادامه این چنین میفرمایند: «وَ اعْوِجَاجُ الْفِتْنَةِ عِنْدَ طُلُوعِ جَبِينِهَا وَ ظُهُورِ كَمِينِهَا وَ انْتِصَابُ قُطْبِهَا وَ مَدَارِ رَحَاهَا» پیچیدگی فتنه به هنگام تولد نوزادش آشکار میشود و باطن آن ظاهر میگردد، قطب و محور آن بر جای خود قرار میگیرد و آسیاب آن به حرکت در میآید، به هوش باشید و با احتیاط گام بردارید.

حضرت در اینجا فتنه را هم به تولد نوزاد تشبیه میکنند که بدون خبر و ناگهانی در جامعه رخ نماید و هم به آسیابی تشبیه میکنند که اول قطب و محورش را قرار میدهند و بعد سنگش را، یعنی اول بنا و پایه ی آن را قرار میدهند و بعد به مرور زمان در جامعه شکل میگیرد. ایشان اضافه میکنند: «تَبْدَأُ فِي مَدَارِجِ خَفِيَةٍ وَ تَتَوَلَّى إِلَى قُضَاعَةِ جَلِيَّةٍ شَبَابُهَا كَشَابُ الْغُلَامِ وَ آثَارُهَا كَأَثَارِ السَّلَامِ»؛ فتنهها کم کم از مراحل ناپیدا شروع به حرکت میکنند و سرانجام بهصورت خطرناک آشکار میشوند، رشد آنها همچون رشد جوانان سریع است و آثارشان بر پیکر جامعه - همچون آثار سنگها سخت و محکم است.

در ادامه در رابطه با سردمداران فتنه سخن میگویند و سه خصوصیت آنان را ذکر میکنند:

اول: اینان در مسیر فتنه متفق اند و برنامههای یکسانی را برای رسیدن به اهداف اجرا میکنند، و چون با یکدیگر هماهنگ هستند به نتایج و آثار شومی دست پیدا میکنند. {يَتَوَارَثُهَا الظُّلْمَةُ بِالْعَهْدِ أُولَئِهِمْ قَائِدٌ لِأَخْرِهِمْ وَ آخِرُهُمْ مُقْتَدٍ بِأُولَئِهِمْ}.

دوم: اینان در این مسیر از یکدیگر سبقت گرفته و به دنبال برتری بر یکدیگر هستند، و هر یک به دیگری ستم کرده و تعرض میکند، به واقع در ظاهر با یکدیگر متحداند ولی چون در مسیر شیطانی قدم نهادهاند بهطور طبیعی به دنبال پیشی گرفتن از همدیگر، و تسلط و رهبری بر خویشان یکدیگرند و به قول حضرت امیر (ع): «تَنَافَسُونَ فِي دُنْيَا دُنْيَةٍ وَ يَتَكَالَبُونَ عَلَى حَيْفَةِ مَرِيحَةٍ»

سوم: روشن است که حاصل این نزاع اختلاف بین آنهاست، و سرانجام موجب می شود تا از یکدیگر بیزاری جسته و از هم دور شوند، چرا

که همه از روی هوای نفس بر این مسیر قدم نهاده اند و هر یک به دنبال منفعت خود می باشند. «و عن قليل يتبرأ التابع من المتبوع و القائد من المقود فيتزايلون بالبغضاء و يتلاعنون عند اللقاء»

بعضی از شارحان نهج البلاغه جمله «و يتلاعنون عند اللقاء» را اشاره به «لقاء الله» و روز قیامت می دانند، همانگونه که در قرآن می فرمایند: «اذ تبرأ الذين اتبعوا من الذين اتبعوا و رأوا العذاب و تقطعت بهم الاسباب» (بقره 166) در آن هنگام رهبران گمراه و گمراه کننده از پیروان بیزاری می جویند و کیفر خود را مشاهده می کنند و دستشان از همه جا کوتاه می شود. (مکارم شیرازی، (1379: 27/6)

نتیجه:

فتنه حالت غبار آلودگی است که در جوامع بشری پدید می آید و موجب آزمایش و محک انسان هاست. برای اینکه فتنه شناخته شود و انسان ها بتوانند به خوبی از آزمایش های ناشی از آن سربلند بیرون آیند باید ملاکها و ویژگی های آن را شناخت. در این جهت، مراجعه به معصومین (ع) و انسان هایی که متصل به آن ذوات مقدسه هستند، می تواند راه گشا باشد.

پی نوشت:

- 1- فتنه: به کسر الفاء و سکون التاء و کسر النون.
- 2- هو ما یوجب اختلافاً مع اضطراب فما اوجب هذين الأمرين فهو فتنه و لها مصاديق كالأموال و الاولاد و الإختلاف الآراء....
- 3- إن الفتنة اشد الإختبار و أبلغه و أصله عرض الذهب على النار لتبين صلاحه من فساد.
- 4- به حتم شما را می آزمایشیم به چیزی از ترس و گرسنگی و کاسته شدن از دارایی ها و جان ها و فرزندان.»
- 5- تا آنچه را شیطان القا می کند ابزار آزمودنی قرار دهند.»
- 6- چرا قرآن بر بزرگ فردی از این دو شهر فرود نیامده است.»
- 7- ر.ک: نهج البلاغه، خطبه 50.
- 8- ر.ک: نهج البلاغه، خطبه 93.
- 9- ر.ک: نهج البلاغه، نامه 62.
- 10- ر.ک: نهج البلاغه، خطبه 151.
- 11- ر.ک: الصحيفة السجادية، دعای 27.

منابع

*قرآن کریم

- 1- آمدی، عبد الواحد، (2010م)، غرر الحکم و درر الکلم، بی جا.
- 2- العسکری، ابو هلال، (بی تا) الفروق اللغویه، بیروت: دار الکتب العلمیه، چ دوم.
- 3- بسطانی، بطرس، (بی تا)، دایرة المعارف قاموس عام لكل فن و مطلب، بیروت: دار المعرفه.
- 4- خامنه ای، سید علی، (1388) امانت داران عاشورا، تهران: موسسه فرهنگی قدر ولایت، چ هشتم.
- 5- (1389)، بصیرت و اسقامت، تهران: مؤسسه جهادی، چ اول.
- 6- (1389) وظایف در شرایط فتنه، تهران: موسسه فرهنگی قدر ولایت، چ اول.
- 7- جعفری، محمد تقی، (1361)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ اول.
- 8- حسن منتظری، (1386)، آشنایی اجمالی با صحیفه سجاده، قم، اندیشه قم.
- 9- دشتی، محمد، (1405ق)، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، قم: نشر اسلامی.
- 10- روحی، محمد و فیاض بخش، محمد تقی (1429ق) تفسیر مفردات القرآن فی ترتیب لغات مجمع البیان و المیزان، تهران: احیاء کتب، چ اول.
- 11- سعادت پرور، علی، (1388)، پاسداران حریم عشق، تهران: احیاء کتب، چ اول.
- 12- سید رضی (1386) نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران: پیام عدالت، چ پنجم.
- 13- شیخ مفید، (1383)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تهران: دفتر فرهنگ نشر اسلامی، چ ششم.
- 14- شیخ کلینی (1362 اصول کافی، تهران، اسلامیه، چ دوم.
- 15- طبری، ابی جعفر محمد بن جریر (1407ق) تاریخ الامم و الملوک، بیروت: دار الفکر، چ 1.
- 16- طباطبایی، محمد حسین، (بی تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامی، چ 7.
- 17- علامه مجلسی (1404 بحار الانوار - بیروت: مؤسسه الوفاء - چ اول.
- 18- عمید، حسن (1346) فرهنگ تاریخ و جغرافیا، تهران: علمی - چ اول.
- 19- مکارم شیرازی، ناصر (1381) پیام امام امیر المومنین ع، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ اول.
- 20- مصطفوی، حسن (1430) التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- 21- محمدی ری شهری، محمد (1382) دانشنامه امیرالمومنین، قم: دار الحديث، چ اول.
- 22- مصباح یزدی، محمد تقی (1390) طوفان فتنه و کشتی بصیرت، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - چ اول.
- 23- معین - محمد (1362) فرهنگ فارسی - تهران: امیر کبیر، چ پنجم.
- 24- عبد الباقی، محمد فؤاد (1386)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، تهران، اندیشه اسلامی، چاپ پانزدهم.

25- محمدی ری شهری، محمد (1384) میزان الحکمة، قم، دار الحديث چ پنجم.